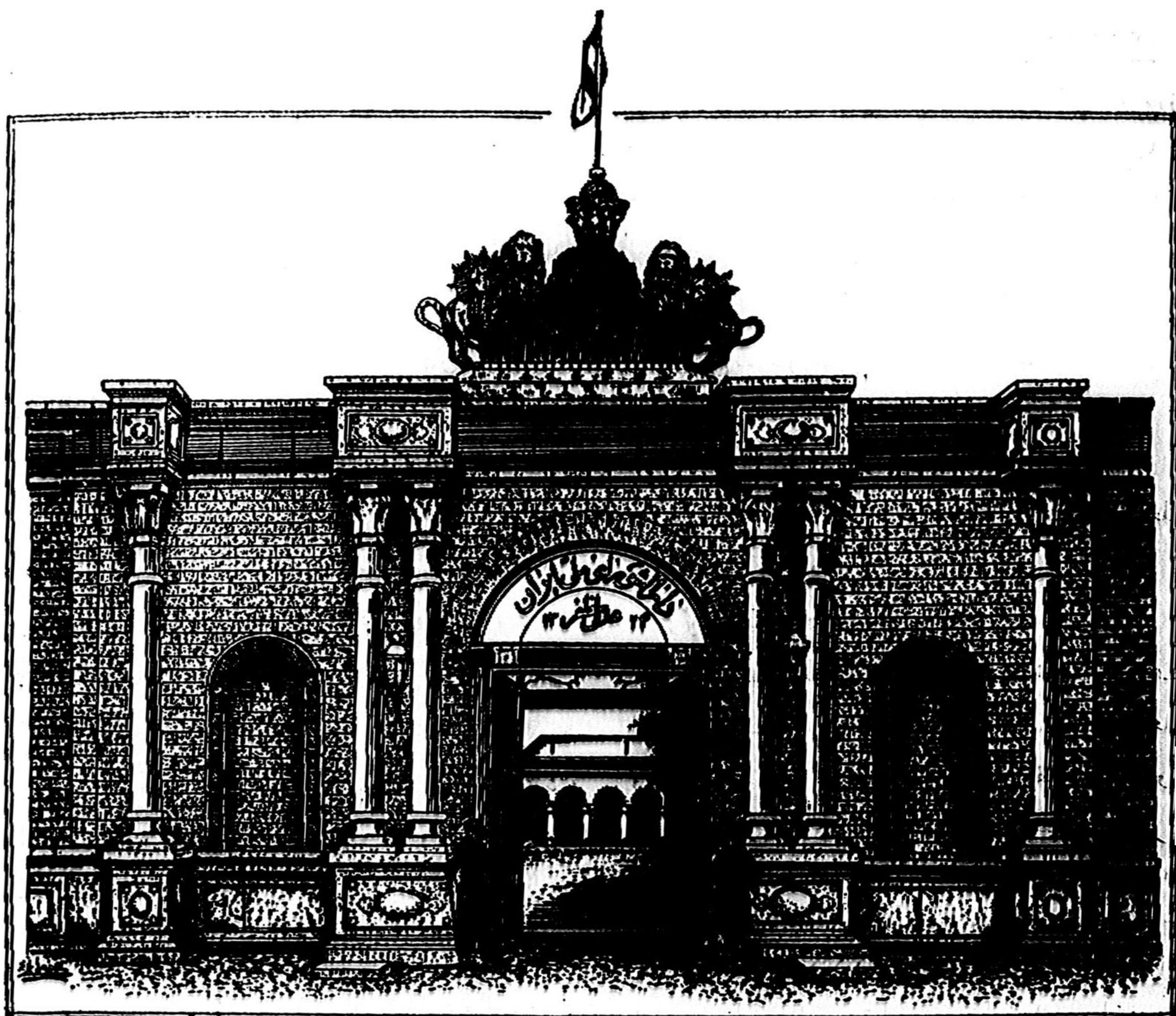


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۱۹۸</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۶۳</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه سه شنبه ۲ بهمن ماه ۱۳۰۶ مطابق سلخ رجب المرجب ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ايران سالبانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تك شماره يك قران</p>

فهرست مندرجات

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	بقیه شور اول نسبت بخر کبسیون قوانین مالیه راجع بمخالصجات انتقالی و ختم شور اول و تصویب ورود در شور ثانی لایحه مزبوره	۲۳۰۱	۲۳۲۱



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس سه شنبه ۳ بهمن ماه ۱۳۰۶ مطابق سلخ رجب المرجب ۱۳۴۶

جلسه ۱۹۱

غائبین با اجازه جلسه قبل
آقایان: عمادی - ایلخان - دشتی - فیروز آبادی
احتشامزاده - عدل - میرزا ابراهیم آشتیانی - ملک آرائی
میرزا حسنخان وثوق

(مجلس دو ساعت و نیم قبل
از ظهر بریاست آقای پیرنیا تشکیل گردید)
(صورت مجلس یوم یکشنبه اول بهمن
را آقای نگهبان قرائت نمودند)

غائبین بی اجازه جلسه قبل
 آقایان: حاج علی اکبر امین - اسدی - ذوالقدر
 امام جمعه شیراز - اعظمی - نظام مافی - آقا علی زارع
 قوام شیرازی - حاج شیخ بیات - حاج حسن آقا ملک
 بنی سلیمان - میرزا عبدالحسین کرمانی - حاج غلامحسین ملک
 در آمدگان با اجازه جلسه قبل
 آقایان: دکتر لقمان - الفخمی
 در آمدگان بی اجازه جلسه قبل
 آقایان: شریعت زاده - پالیزی - مقدم - عباس میرزا
 آقا زاده سبزواری - غلامحسین میرزا مسعود - میرزا
 عبدالله خان وثوق - مدرس - دکتر مصدق - بهار -
 جهانشاهی - معتضد استرآبادی
 رئیس - آقای زوار
 زوار - آقای امین التجار را غائب بی اجازه نوشته
 اند در صورتیکه ایشان اجازه خواسته اند و اجازه شان هم
 بکمسیون تقدیم شده و از مجلس هم گذشته است
 رئیس - یاد داشت بدهید آقای حاج میرزا مرتضی
 حاج میرزا مرتضی - آقای آقا میرزا عبدالحسین در
 جلسه قبل بواسطه کسالت مزاجی که داشتند نتوانستند
 حاضر شوند و توسط بنده از مقام ریاست اجازه خواسته
 اند و بنده هم شرحی عرض کردم و کسالتشان را اطلاع
 دادم و استدعای اجازه کردم معذرت ایشان را در جزء
 غائبین نوشته اند. و اگر بنا باشد عذر موجه هم پذیرفته
 نمیشود بنده نمیدانم چه میشود.
 رئیس - از کمسیون تحقیق میشود. و اصلاح میشود
 آقای زوار
 زوار - در جلسه گذشته تقریباً شصت و پنج فقره
 مرخصی در مجلس آمده و تصدیق فرمائید که اگر
 کمسیون عرایض بخواند هر شصت و پنج فقره را با عذر
 موجه تلقی بکند آنوقت در جرائد بنویسند که شصت
 و پنج فقره مرخصی داده شده است و عذر ایشان هم

موجه بوده خیلی برای ما بد است و آقای آقا میرزا
 عبدالحسین هم بنده اطلاع دارم که مرخصی بودند و
 بملاقات آقای وزیر داخله تشریف برده بودند
 رئیس - در صورت مجلس ابرادی نیست
 (گفته شد خیر)
 رئیس - صورت مجلس تصویب شد
 پیشنهاد آقای روحی
 (اینطور خوانده شد)
 پیشنهاد میکنم که طرح اصلاحی قانون مستخدمین مجلس
 در درجه اول جزو دستور شود
 رئیس - آقای روحی
 روحی - عرض میکنم نظامنامه داخلی مجلس تمام
 امورات مجلس را منحصر میکند به اختیارات خود مجلس
 و اجازه نمیدهد که هیچکس در هیچ مقام اعم از دولت
 و غیره در کارهای مجلس دخالت کند و این
 اصلاح نظامنامه که هیئت محترم رئیس مجلس شورای
 ملی در نظر گرفته اند از نقطه نظر بک صلاحی بوده است
 که اشکالات ایجاد کرده که شاید وزارت مالیه میخواسته
 است در امور داخلی مجلس مداخله بکند و این نیست
 دقیقه هم بیشتر وقت لازم نخواهد داشت و بنده هم موافقم که
 در دستور هر چه هست بعد از این موضوع مطرح شود
 بیست دقیقه آقایان وقت صرف کنند که این بگذرد
 و اشکالات مرتفع شود زیرا بک اشکالاتی در امور اداری
 مجلس پیدا شده است که حق حقوق ماه گذشته مجلس
 را برسم علی الحساب به آقایان نمایندگان داده اند بنابراین
 خوبست موافقت فرمایند و این موضوع را تمام کنند
 رئیس - آقای ضیاء
 ضیاء - عرضی ندارم
 رئیس - آقای ملک مدنی
 ملک مدنی - مخالفی ندارد بنده هم عرضی ندارم
 دادگر - بنده مخالفم
 رئیس - فرمائید

دادگر - عقیده بنده این است که برای تغییر دستور
 بک دلیل قوی بایستی آورد و اینکه دستور تعیین میشود
 طبیعی است که شخص ورزش میکند اوراق متعلقه به آن
 کار را می بیند لوازمی که برای آن کار لازم است تهیه میکند
 آنوقت یکمرتبه بک امر دیگری می آید بنظر بنده این
 جایز نیست البته موافق نظامنامه در دستور مجلس همیشه
 میشود تصرف کرد ولی وقتی است که بک دلیل و موجب
 قوی در کار باشد آنوقت ضرور است که دستور مجلس
 را تغییر بدهند ولی مسئله خالصجات انتقالی بک قضیه
 بود مسکوت و یکمرتبه طرح شد ما رفیقیم و خودمان
 را مهیا کردیم برای این کار حالا این موضوع را آقای
 روحی پیشنهاد کرده اند بنده از ایشان تقاضای معکوس
 میکنم که آقا موافقت فرمایند که پیشنهاد ایشان بعد
 از این قانون بگذرد.
 روحی - اجازه میفرمائید
 رئیس - میخواهید پس بگیری
 روحی - خیر - رأی بگیری
 رئیس - رأی میگیریم آقایانیکه با این پیشنهاد
 موافقت قیام فرمایند
 (عده قیام نمودند)
 رئیس - تصویب نشد. ماده سوم قانون خالصجات
 مطرح است
 (بمضمون ذیل خوانده شد)
 ماده سوم - میزان مالیات املاک خالصه انتقالی که مالیات
 جزو جمعی آنها از صدی پنجاه عایدات خالص مالکانه
 بیشتر است در آتیه صدی پنجاه عایدات متوسط خالص
 مالکانه خواهد بود مالیات خالصجات انتقالی که منال
 دیوانی آنها کمتر از صدی پنجاه عایدات خالص مالکانه
 است همان مالیات جزو جمعی خواهد بود مگر اینکه
 جزو جمعی کمتر از مالیات معمولی املاک اربانی باشد در
 اینصورت وزارت مالیه مکلف است مالیات آن املاک را

تا حد مالیات املاکی اربانی ترقی دهد
 تبصره - مراد از عبارت متوسط ثلث عایدات سه
 ساله اخیر است
 رئیس - آقای حقنویس
 حقنویس - بنده مخالف ایستم خالصجات انتقالی
 فروخته شود ولی مخالفم که بصاحبانش بمت داده شود
 زیرا که دادن منال دیوانی را بصاحبان خالصجات انتقالی
 بجائی فلسفه ندارد و این تقریباً مفت است چرا؟ برای اینکه
 بک اشخاصی که خالصه انتقالی را برده اند و بعد هم در نحت بک
 چیزهایی بک تخفیفانی گرفته اند که مقداری از این تخفیف زیاد
 بوده و بقدری این تخفیف زیاد بوده است که از مقدار مالیات
 های ملکی شخصی هم منال اینها کمتر شده است آنوقت
 آری که داده میشود این است که خالصجات انتقالی را
 مثل املاک شخصی مالیات ازش بگیرند بنا بر این با
 مصلحتی که برای فروش خالصجات انتقالی منظور است
 این طرز فروش بنظر بنده مخالف است بلی البته باید
 خالصجات انتقالی بک ملکیت نابته برای مالکینش پیدا کنند
 ولی نه بطوری که بمالکین ملک بجانا داده شود
 زیرا با تفاوت منال تقریباً مجاناً داده میشود و بنده
 گمان میکنم که موافق مصلحت مملکت و موافق صلاح
 بیت المال نباشد
 ملک مدنی - اولاً این ماده مربوط بفروش خالصجات
 نبود این اظهاری که شما فرمودید مربوط بماده بعد است
 و اما مالیات خالصجات انتقالی موقعی که مجلس شورای ملی
 جنس مسعری را ملغی کرد این املاک را با جنس مسعری
 در زمان استبداد فروخته اند و اشخاصی که خریداری
 کردند از نقطه نظر اینکه این املاک تسعیر شده در بک
 آبادی آمدند و زحمان کشیدند و قنات احداث کردند
 قلعه ساختند در جلسه قبل مذاکره شد که در این املاک
 آبادی نشده اگر بقت شود بنده میدانم که آقایان
 تصدیق خواهند فرمود که این اشخاص حق خودشان
 را روی این املاک گذارده اند زیرا همانطور که عرض

کردم قنوانی احداث کرده اند و قلمه .اخته اند و بعد در موقعی که مجلس شورای ملی جنس مسعری را ملغی کرد ترتیب منال این املاک مختل شد به این معنی که آمدند و بنای شکایت را گذاشتند و تقریباً در چهارده سال قبل در هیئت وزراء يك تصویبنامه راجع به منال املاک خالصه صادر شده است که بعضی ها که جنس مسعری داشتند و ملغی نشده بود با آنها تنصیف عایدی کنند آنها را که شکایت نداشتند از میزان جزو جمعشان همان مالیات جزو جمعی را پرداختند در الان هم میپردازند و حرفی ندارند این لایحه تقریباً با يك دقتی در کمیسیون مالیه تهیه شده و برای اینکه مالیات خالصجات انتقالی از دو صورت خارج نیست بعضی ها هستند که اساساً جزو جمعشان را حرفی ندارند و میپردازند و بعضی ها که شکایت دارند کمیسیون و دولت موافقت کرد که صدی پنجاه از عایدات خالص عوض بهره مالک داده شود و صدی پنجاه هم در عوض مالیات دولت بنده خیال نمیکنم که هیچ ملکی در هیچ جای دنیا باشد که بیش از صدی پنجاه بدولت مالیات بدهد و اینکه مذاکره شد که مفت داده میشود بنده گمان نمیکنم که مفت داده شود زیرا این اشخاصی که فعلاً متصرفند با يك مبالغ زیادی خریداری کرده اند و در ابتداء انتقال این املاک هم تمام را مطابق موازین شرع علمای هر محلی قباله شرعی داده اند در ولایت ما معمول است هر کسی که هر ملکی با او انتقال پیدا کرده حاکم شرع و آنکسی که مأمور بوده است برای فروش املاک از طرف دولت با يك قباله شرعی به او واگذار کرده و آن املاک را بیع و شری کردند و خالصه انتقالی در حقیقت يك لفتی است که برای این املاک وضع شده از نقطه نظر اینکه دولت يك منال زیاد نری از این املاک دارد و الا این را مردم پول داده اند و بخریده اند حالا اگر يك اشخاصی يك املاکی را مفت برده باشند ما که در حدود خودمان همچو ملکی را سراغ نداریم که مفت و مجانی يك اشخاصی املاکی را

برده باشند حالا شاید در سرحدات يك اشخاصی باشند که يك همچو کارهایی کرده باشند ولی در حدود ما که بنده سراغ ندارم حالا مقصود از این لایحه دو چیز است یکی اینکه تعیین منال بدهی املاک معلوم شود که وزارت مالیه هر ساله مأمور فرستند که برود در آنجاها و هستی مردم را جمع کند و بیارند و یکی هم يك نظری بطور کلی است که در واقع يك کمکی هم به اقتصادیات شده باشد و آن این است که آنها را بفروشند آنهم پنج برابر قیمت روی آن گذاشته اند امروز در تمام ایران وقتی که ملك فروخته میشود ده يك محسوب می شود بنا بر این این املاک هم مجانی داده نخواهد شد و مفتی هم نیست

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - آقای افسر

افسر - غالب قوانین بآن نظر اولیه که از طرف دولت با از طرف نمایندگان پیشنهاد میشود کم کم وقتی که مجلس میاید از اکثریت پیشنهاد و نظریاتی که در کمیسیونها پیشنهاد میشود گاهی بکلی برعکس مطلوب نتیجه میدهد این قانونی که از طرف دولت پیشنهاد شده است البته عقیده غالب آقایان هم در ادوار مختلفه همین بوده است و پیشنهادات مختلفه هم که شده بالاخره برای رفع مزاحمت بوده و برای تسهیل در امر خالصجات انتقالی هم از مد نظر گرفتن مالیات و هم از مد نظر آبادی و عمران املاک که مردم با کمال اطمینان بتوانند در آبادی آن کوشش کنند ولی همین عبارتی که در اینجا نوشته شده که صدی پنجاه نسبت بجزء جمعی همین عبارت را اگر يك قدری مراجعه به سوابق کنیم بقدری تولید زحمت خواهد کرد که باین زودتها قابل حل نیست البته خاطر آقایان مسبق است که خالصجات را به ترتیب که به اشخاص داده اند (مقدمانش را کار نداریم) سه چهار نحو بوده بعضی از آنها در آن وقتی که گرفته اند همین مالیات جزو جمعی را قبول کرده اند و پرداخته اند بعضی در همان

وقت تخفیف گرفته اند یعنی هزار خروار را صد خروار دو بست خروار کرده اند بعضی آمده اند و تسعیر کرده اند از قرار خرواری دو تودان سه تومان چهار تومان از سنه ۱۳۲۴ زمان مشروطیت این مسائل در مالیه مطرح بود و اختلافاتی در بین مالکین و مالیه پیدا شده بود و در سنه ۱۳۳۲ شروع کردند و يك تصویب نامهائی نوشتند و بعد هم يك ضمایم و منضاتی پیدا کردند که آقایان مستحضرنند خلاصه خالصجات را چهار قسم کردند آنها را که تخفیف داشتند نسبت به آنها بچه ترتیب عمل شود و آنها را که تخفیف نداشتند اند بچه ترتیب آنها را که شکایت کردند به چه ترتیب و آنها را که شکایت نکرده اند بچه ترتیب با آنها عمل شود. من جمله حد متوسط را صدی پنجاه قرار داده اند و يك ممیزی هائی هم از طرف مالیه در آن زمانها شد و يك تخمین هائی قائل شدند و همان ها را میزان جزو جمع قرار دادند و حالا هم همانطور رفتار می کنند و تا بحال نایکدز چه رفع اختلافاتی که سابقاً بود شده و حالا این عبارتی که مینویسد مطابق جزو جمعی مقصود از جزء جمعی چیست اگر مقصود همان ترتیب اول است که بقدری قابل اختلاف خواهد شد و بقدری اسباب زحمت است که باین زودی حل نمیشود بجهت اینکه خالصجاتی که در سی و پنج باجهل باجهل و پنج سال قبل خریده شده حالا از مد نظر اوضاع واحوال ملکی و آبادی و خرابی خیلی تفاوت پیدا کرده و قسمت عمده این ها را هم مالکین آباد کرده اند و دولت مداخله در آبادی اینها نداشته است در پانزده سال قبل از این وقتی که مالک دیده است فلان ملک عایدش چقدر است و صدی پنجاهش فلانقدر است قبول کرده است بعد آمده است زحمت کشیده کوشش کرده است قناتش را آباد کرده است حالا چطور جزء جمعی را میگیرند اگر اینطور باشد که بنده گمان میکنم تولید زحمت کند ولی اگر اینطور باشد قابل حل هست که نوشته

فهمی مخبر کمیسیون - آقای نماینده محترم اینجا يك قدری کم دقت فرمودند در ماده همان طور که توضیح دادید این املاک را با يك جمع زیادی به اشخاص منتقل کرده اند یا فروش یا بخشش بالاخره هر چه فرض کنید يك جمعی که تقریباً عوائد ملك بوده است عوائد ملك هم نه آن چیزی که مالک آن روز حاصل داشته است عوائد جزء جمع دفتری را حساب کرده اند از روی آن جمع معین کرده اند و این املاک بواسطه اینکه در دست دولت و جزو خالصه بود بطوری از استفاده افتاده بود که صاحبان آنها در مقام تقاضای تخفیف آن چیزهائی که معین کرده بودند بر آمدند و دولت هم جزء جمع را تغییر نداده است مثلاً هزار تومان مالیات آنجا بود هشتصد تومان کردند و قبض هزار تومان صادر کردند بعد يك برات تخفیفی هم به آن ضمیمه کرده اند از باب تسعیر عایدی یا تسعیر جنس بالاخره همان مقدار که در جزو جمع اولی بود مینوشتمند مقرر از قرار فلان و این کار برای این بود که آن جزو جمع اولی را تغییر ندهند پس از اینکه مجلس در بدو مشروطیت تسعیرات و تخفیفات را موقوف کرد بدهی است این املاک دیگر از تأدیقه منال جزء جمع بر نیامدند و داخل این مذاکرات شدند و همانطور که فرمودید يك قرار هائی داده اند ولی این

قرارها محدود بوده بهمان سال ۱۳۰۱ یعنی کسانی که تا آن تاریخ شکایت کرده بودند ولی کسانی که بعد از آن تاریخ شکایت کرده اند آنها مشمول آن تصویب نامه نشده اند و با آنها این معامله نشده ولی وزارت مالیه در ضمن جریان عمل ملاحظه کرد که غالب آنها از عهده تأدیه منال دیوانی برنمایند این بود که با آنها معامله صدمی شصت و صدی هفتاد را مجری داشتند و به این جهت است که ما اینجا نوشته ایم (جزء جمع) و اینکه گفته میشود (جزء جمع) مقصود معامله نیست که در سنوات اخیر با آنها کرده اند. مقصود از جزء جمع همان جزء جمع اولیه است که در موقع انتقال ملک به اشخاص در فرامین معین شده بوده و بجهت زیادی همین جزء جمع اولی بوده که آنها را مجبور بتقاضای این مساعدتها کرده است حالا يك اشخاصی که با آنها معامله تنصیف شده است البته متعرض آنها نخواهند شد که شما بیایید يك معامله جدیدی بکنید و کسانی دیگر هستند که امروز مالیات ملک آنها زیادتر از نصف عایدی است فرض بفرمائید يك کسی هزار تومان عایدی ملکی دارد و از او هفتصد تومان میگیرند این ضرر را وزارت مالیه ملاحظه میکند و همان نصف قرار میدهد که رو به مرفته حد اعلا مالیات انتقالی بیش از صدی پنجاه نباشد لکن اگر کمتر از نصف عایدی مالیات میدهد یعنی در هر هزار تومان کمتر از پانصد تومان میدهد همان جزء جمعی سابق را میدهند و دولت هم از آنها قبول خواهد کرد و متعرض آنها نخواهد شد و این کار در حقیقت يك مساعدت است نسبت به کسانی که زیادتر از نصف عایدات خالص مالکانه را امروز بعنوان مالیات میپردازند و با این ترتیب حد نصاب وحد اعلاي جمع خالصی همان صد پنجاه میشود و يك قسم ثالثی هم فرض شده است و آن این است که املاکی که به اشخاص واگذار کرده اند و اصلاً مالیات نداشته با مالیات آنها کمتر از مالیات املاک اربانی است در آن املاک دولت حق داشته باشد مطابق مالیات املاک اربانی صدی

سه و نیم مالیات بگیرد چون حالا مالیات نداشته اند با کمتر از میزان مالیات املاک اربانی مالیات میداده اند خلاصه این است که اگر مالیات بیش از صدی پنجاه عایدات باشد صدی پنجاه قرار میدهند و اگر کمتر است مطابق جزء جمع سابق مطالبه میکنند و اگر کمتر از مالیات املاک اربانی است به میزان مالیات املاک اربانی مطالبه خواهد شد.

افسر - هیچکدام از این حرفها جواب بنده نشد بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است کازرونی - بنده مخالفم . رئیس - بفرمائید .

کازرونی - آقایان عقیده شایع این است که این قانون راجع به خالصجات انتقالی مهم است یا مهم نیست؟ اگر گمان میکنند که مهم نیست و يك امر معمولی است چرا باید با عجله گذرانید؟ اما اگر این طور نیست و تصدیق میکنید که این خالصجات مخصوصاً خالصجات انتقالی صورتهای مختلفه دارد و شعب کثیره دارد و بایستی بیشتر درش دقت شود به بینیم به مفت باید بدهیم؟ یکی باید بدهیم مالیات جزء جمعیش از چه قرار بوده؟ کی معین کرده؟ چرا اینطور معین کرده و بالاخره چه باید بشود پس اجازه بدهید که هر کسی هر چه اطلاع دارد بگوید شور اول هم هست هر کسی نظریات دارد بگوید و در کمیسیون مورد مطالعه واقع شود. چون در اینجا مخالفینی که پیدا میشود یکی طرف افراط است و یکی طرف تفریط و اتفاقاً هر دو هم مخالفند. گاهی میشود يك کسی که طرف افراط می رود مخالفت خودش را میکنند و گفته میشود که مذاکرات کافی است، پس اجازه بدهید آن کسی هم که طرف تفریط است مخالفت خودش را اظهار کند و نظریات نمایندگان معلوم شود از این نظر که این قانون مثل سایر قوانین نیست و مهم است بنده با کفایت مذاکرات مخالفم

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - بنده نماینده محترم را تذکر میدهم که این قانونی که مطرح است دو شوری است در ضمن شور اول چند نفر مخالف هم مخالف افراطی و هم مخالف تفریطی اظهار نظر خودشان را کردند بعلاوه آقایان اگر نظریاتی دارند پیشنهاد میفرمایند و به کمیسیون ارجاع میشود و تصور میکنم مذاکره در این باب اگر بیشتر شود اسباب تأخیر کار است

رئیس - رأی میکنیم. آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد آقای کازرونی

کازرونی - بنده با اینکه میدانم نظراً اکثریت محترم مجلس این است که این قانون بزودی و بالاخره از مجلس بگذرد... عراقی - نه ما همه مردم.

کازرونی - و عقیده بنده این است که این مخالفتها و اظهار بعضی نظرها چون بیشتر محکوم به این است که بایستی متابعت از آراء اکثریت بشود بنده هم علاقه مندم نه این قانون زودتر بگذرد و بالاخره هم میکنند بنده هم البته بایستی حتی الامکان متابعت نظریه دوستان و همقطارهای محترم خودم را بکنم ولی چکنم که محکوم با احساسات خودم هستم و در مقابل احساسات شخصی خودم قدرت برد باری ندارم؛ از این جهت بنده معذرت میخواهم که برخلاف نظریات اکثریت محترم عقاید خودم را عرض کنم...

رفیع اکثریت رأی نداده است

کازرونی - اولاً يك نکته را عرض میکنم که بایستی مردمان عاقل مال اندیش پیش آمده را استقبال کنند که در موقع ورود پیش آمدها صدمه اش خیلی قوی نباشد این نکته را همیشه عقلاً در نظر گرفته اند و هر کس هم که توانسته است حیثیت خود را به يك حال عادی نگاه دارد بواسطه همین حسن سیاست بوده اگر چنانچه

قبل از اینکه مرض طاعون وارد شود سرمش را تزریق کنند مرض پس از ورود چندان مؤثر واقع نمیشود ما بعد از مدتها که دچار فشار استبداد بودیم که آن استبداد از يك طرف نمیتوانست يك نظر جامع الاطرافی نسبت به تمام اوضاع مملکت داشته باشد و از طرف دیگر مجبور بود که هم دستها و مردمانی که در امورات باو کمک میکردند و او را نگاهداری میکردند يك نفعی بهشان برساند، اینها يك مبادلانی با هم داشتند و يك مفاوضاتی با هم داشتند. خواستیم از این فشار استبداد نجات پیدا کنیم و حکومت را حکومت همه قرار بدهیم حالا من نمیدانم. گفتیم مشروطه شدیم مصوبات مشروطه را رد کرده ایم یا تصویب میکنیم؟ غلط های مشروطه را لغو کرده ایم یا تصویب میکنیم؟... فرمند - مشروطه غلط نداشته است.

کازرونی - اگر راستی راستی بنا این بود که همان ماز و عملیات سابق و غلط کارها باقی بماند، اگر حکم به دست يك نفر بود و نظر نظر يك ن بود بهتر بود یا حکم و نظر مربوط به یکمده زیادی باشد؟ آقایان البته همه بهتر از من میدانند و مطلعند (چون وارد بوده اند) که در زمان استبداد این املاک را برای چه انتقال به اشخاص می دادند و بعلاوه باید فهمید این مسئله انتقال در تحت چه عنوانی از عناوین مشروعه یا عناوین قانونی مروج در دنیا بوده است، این معامله تبی است؟ شرطی است؟ چه معامله بوده است؟ صلح است؟ چه چیز است؟ يك ملکی بوده مال مردم و حکومت استبدادی متصرف بوده است یا به حق یا به باطل به اشخاص انتقال داده باین شرط که مالیات را با این طرز معین تأدیه کند. غالباً هم داده اند یا نداده اند با آنها کاری نداریم حالا بایستی يك صورت برای این املاک قرار داده شود که نسبت به تمام افراد متناسب باشد و نسبت بحال جامعه مفید باشد...

عمادی - در این زمینه اگر وارد شویم اول اختلال مملکت است.

کازرونی - عرض کنم، در مالیات ابن املاک آن اشخاصیکه فوق العاده طرف توجه مبده استبداد اولی بودند فوق العاده مالیات املاک آنها را کم قرار داده اند و بالعکس اگر خوب دقت و توجه بفرمائید آن املاکی را که برای آبادی داده اند یا فروخته اند مالیاتش زیاد بوده و آقایان این جا اینطور قائل شده اند که آن املاکی که جزء جمش کتر است بایستی بقرار همان کتری بدهند در صورتیکه بنده میدانم آنکه جزء جمش کتر است عابدیش کتر نیست اگر توجه بفرمائید این مسئله را که عرض می کنم خوب معلوم می شود که ملکی را که ده هزار تومان در سال عایدی دارد جزء جمش را که ملاحظه میکنید صد تومان است امروز هم اگر زور مند است همان صد تومان را تأدیبه میکند لکن بعکس املاک دیگری است که اگر عایداتش هفتاد هزار تومان است هفت هزار تومان می دهد، اینها تمام بسته به زور و قوت متصرف است الان هم دارید تصویب میکنید که همان زورمندی که در مقابل ده هزار تومان صد تومان میدهد مالیاتش بحال سابق باشد و ممیزی هم وقتی بکنید بالاخره همان صد سه ونیم را میدهد چنانچه در ابتدا عرض کردم بنده عقیده دارم که املاکی که دارای خرده مالک است به خرده مالکین بجانی بدهید و کلمه عطیه را هم رویش بگذارید و به خرده مالکین بدهید و مالیاتش را هم ممیزی کنید و دریافت کنید و باقی املاک را که شش دانگ است یعنی راستی راستی خرده مالک ندارد همان صدی پنجاه را قرار دهید. با این صدی پنجاه بنده مخالفی ندارم ولی اگر کمتر شد چنین و چنان کند بنده بکلی مخالفم، بنده عقیده ام این است که اگر هم کمتر شد ممیزی کنند و همان صدی پنجاه را از آن بگیرند بعضی آقایان فرمودند که متصرفین خرید و فروش کرده اند مسلم است بنده این عباتی را که متصرف اعم از اینکه به حق تصرف کرده باشم یا به باطل بالاخره میبرم نوبی بازار می فروشم (شبهه ندارد) و دیگری هم از من میخرد و همینطور دست به دست میگردد اما

اگر تصرف من نام مشروع بوده است در هر دسقی که باشد بالاخره نام مشروع است و از او میگیرند. بعضی آقایان فرمودند علماء وقت هم نوشته اند بلی بنده هم قبول میکنم که اینرا برگردانید از روی موازین و قانون شرع؛ مسلم است قانون شرع ممکن است بسیاری از مقرراتش با قوا بونی که در آخرین نقطه قطب شمال رواج است مطابقت داشته باشد ولی آیا این دلیل است که آنها متابعت از شرع اسلام میکنند؟ بنده عرض میکنم که اگر بنا باشد که ما متابعت از شرع اسلام بکنیم و يك ماده بگذرانیم که بر طبق قانون شرع مخدی (ع) باشد بنده قبول دارم.

بکنفر از نمایندگان - حالا هم همینطور است. کازرونی - پس لازم نیست که بگوئیم (هر جا علماء نوشته اند) بنده عرض میکنم شما اینطور قانون را بگذرانید و لازم نیست که بگوئید فلان مورد بخصوصه را علماء نوشته اند.

رئیس - آقای محمد ولی میرزا

محمد ولی میرزا - در قسمت اخیری که نماینده محترم اظهاراتی فرمودند بنده هرچه سعی کردم که مطلبی به دست بیآورم حقیقه باید اعتراف بکنم که عاجز ماندم از اینکه بتوانم بفهمم مقصود و نظر ایشان چه بود از اسلام و مسلمانی و استبداد و مشروطه از تمام این قضایا و يك چیزهای سری مخفی و قضایائی اظهار فرمودند که بنده هرچه فکر کردم با این قانون و با این ماده کجایش متناسب است نفهمیدم و بنده حقیقه عاجز از فهم آن شدم.

کازرونی - خوب میفهمید. یعنی مفت ببرند محمدولی میرزا - در ماده سوم که فعلا مورد بحث مذاکره است، در این ماده مقصود کمیسیون قوانین مالیه و مقصود از این جمله بطوری که بنده استنباط کردم با مذاکراتی که اکثر آقایان بعنوان مخالفت کردند من جمله شاهزاده افسر که اظهار فرمودند که باید در اینجا صدی

پنجاه از عواید را متذکر نشوند و باید بنویسند آن چیزی که الان مرسوم است بنده خیلی تعجب کردم آن چیزهایی که فرمودند مرسوم است آنها قانون نیست، عرض میکنم در اوائل مشروطیت در قوی ژیل ۱۳۲۸ يك قانون وضع شد که در آن قانون کلیه تسعیرات و کلیه تخفیفات را بکلی برگرداند و نقض کرد. در واقع اول مرافعه راجع به تخفیفات و تسعیرات که در فرامین معین شده بود از آن تاریخ بوده و وضعیت مبهم خالصجات انتقالی از آن موقع مبهم تر شد، چرا؟ برای این که به همان دلائلی که آقایان می فرمایند اگر قدری توجه شود می بینیم که همان دلائل تقویت از مقصود ما میکند زیرا در تاریخی که املاک به اشخاص منتقل شده است يك اشخاصی آمده اند و با يك جمع معینی يك خالصه را قبول کرده اند ولی در حاشیه همان فرمان آن جمعی را که قبول کرده اند مبلغی بعنوان تخفیف معین شده است یا مبلغی بعنوان سیورسات و سیور غال یا بعنوان نان خانه و بهر عنوانی که خواسته اند در حاشیه آن فرمان تخفیف داده شده است. اگر این فرمان يك قسمتش معتبر است دلیل ندارد که قسمت دیگری نامعتبر باشد اگر نامعتبر است که تمامش نامعتبر است اگر ما وضعیاتی فعلی را در مد نظر بگیریم نه چیزهای فردی و خصوصی قضیه را مطلب معلوم میشود در تمام ابراف تصور میکنم شاید متجاوز از سه چهار هزار قریه بعنوان خالصه انتقالی در دست مردم است....

بکنفر از نمایندگان - بیشتر

محمد ولی میرزا - بلی شاید بیشتر هم باشد و این املاک بین چندین هزار نفر مالک تقسیم شده است و امروز این قضیه در واقع مابه الابتلائی چندین هزار نفر است و این يك دملی شده در پهلوئی موضوع مالکیت و امروز شما میخواهید این مسئله را حل کنید و تمام افکار مردم متوجه این قضیه است و شما اینرا روی يك مسائل جزئی می آورید که ممکن است در دشتی و دشتستان در يك

مورد مخصوصی يك قضایائی باشد و شاید بنده هم با آقای کازرونی اگر يك اطلاعات بیشتری پیدا کنم در آن قسمت موافق بشوم ولی نباید برای این که در دشتی و دشتستان یا مغان آذربایجان اگر یکی دو مورد مخصوص هست و با این لایحه اصلاح نمیشود آزا در نظر بگیریم و باید سعی کنیم که موارد اغلب را در نظر بگیریم. پس در این صورت عقیده بنده این است که اگر آقای کازرونی اجازه بدهند بنده اینها را قرائت کنم و بعد بنده معتقد باین هستم که سعی کنیم و تمام قوای فکری خودمان را معطوف کنیم باینکه این قانون بخوبی اصلاح شود. مگر این جا عرض شد که این قانون دو شور دارد و این شور اول است و کمیسیون قوانین مالیه هر چه بنظر خودش رسیده است سعی کرده است که رعایت جامع بودن این قانون را کرده است و دولت هم در این کار نظر داشته است و اطلاعات دولت هم محمل زدید نیست و اینکه گفته میشود که متصدیان این امر در وزارت مالیه هیچ نمیفهمند و مطلع نیستند بنده عرض میکنم که خیر مدیران وزارت مالیه بعلمت اینکه داخل در عمل هستند بسا هست که اطلاعات آنها بیش از بنده و جناب عالی است نباید به این دلیل که بنده اینجا وکیل قائل بشوم که دیگران قوه ممیزه ندارند و این غلط است. چرا باید چنین فکری را بکنیم؟ بنده عرض میکنم که دولت با اطلاعات رسوابقی که انتقالی داشته و از يك طرف کمیسیون قوانین مالیه که در آنجا اعضاء مطلع دارد و از همکارها و همشهریهایی شما در آنجا هستند عقلشان را روی هم گذاشته اند يك چیزی نوشته اند و آورده اند اینجا. بعلاوه قانون دو شوری حسنی که دارد فقط این است که در بین شور ما استفاده از افکار صائبه آقایان نمایندگان و از افکار دیگران میکنیم آقایان پیشنهاد میفرمایند، آن پیشنهادات میآید بکمیسیون، تطبیق میکنیم، اطلاعاتمان را زیاد تر میکنیم بالاخره برای شور دوم يك مواد اصلاحی میآوریم که

آن مواد مورد اعتراض واقع شود و بگذرد. حالا بنده وارد میشوم در توضیح این ماده بطور خاص. این ماده در اینجا برای این ذکر شده است که بعد آن ماده چهار را داشته باشد. برای اینکه ما امروز در نظر گرفتیم يك رشته از خالصجات بطوریکه بنده اطلاع دارم يك قسمت از مملکت این ابتلاء را ندارند و آن از قراری که شنیده ام (حالا شاید در اینجا تکذیب شود) قسمت کیلانات است. در کیلان از قراری که شنیده ام بواسطه تغییراتی که توی خود فرمان داخل شده است مالیات جزو جمعی چندان کمر شکن و سنگین نیست حتی از بعضی ها اینطور شنیده شده است که بعضی از قسمتهای کیلان مالیات فرمانی آنها از قسمت ممیزی که میخواهند بکنند کمتر است...

حاج آقا رضا رفیع - اینطور نیست. محدودی میرزا - شاید اینطور نباشد. عرض کردم که شنیده ام برعکس در آذربایجان در قسمت غرب ایران در کرمان در این قسمتها مالیات جزو جمعی مالیاتی کمر شکن است و بهیچوجه مالک آنها قادر نیست که بتواند تأدیه کند و در اول هم که ملک را گرفته تأدیه نکرده است والا يك آدم سفیهی بوده است اگر آن مالیات را قبول میکرده است در بعضی قسمتهای آذربایجان بمناسبت سیاسی آن زمان يك ملکی که فرضاً اینطرف رودخانه است اینجا مالیات گزافی تحمیل کرده اندویکی دیگر که در فرسخ آنطرف است مالیات عادلانه دارد و این بواسطه اوضاع سیاسی و ارضی و اوضاع آن زمان بوده است حالا آمدیم ذکر کردیم در این ماده که بطور کلی اگر يك خالصه جزو جمعش بیشتر از صدی پنجاه عایدات ارباب باشد آن مازاد را محاسبات نمیکنیم و محسوب نمیداریم آنرا در واقع رویش قلم حذف می کشیم ولی اگر معادل است با صدی پنجاه منظور نظر عادلانه است زیرا اگر از این مقدار پایین بیاریم مجزائه دولت ظلم کرده ایم و این نظر عادلانه

کازرونی - احسنت. خوب از ملائین دفاع کردید محدودی میرزا - بلی بنده نماینده ملائیم نماینده شما که نیستیم.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است رئیس - پیشنهادها قرائت میشود

(شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای حشمتی - پیشنهاد میکنم در ماده ۳ بجای جمله (در آئینه) نوشته شود پس از تصویب این قانون در موقع ممیزی

پیشنهاد آقای عباس میرزا - تبصره ذیل را بماده ۳ پیشنهاد مینماید

املاك خالصه انتقالی که از مالیات آن مالك شاکي و پس از ممیزی تعیین مالیات میشود مدت پنجسال بقوت خود باقی و هر پنجسال تجدید نظر ممکن است
ایضاً پیشنهاد آقای حشمتی - در ماده ۳ پیشنهاد می کنم.

تبصره - املاك خالصه انتقالی بار که از ده سال قبل تا کنون مسلوب المنفعه میباشد و مالکین بخواهند آنها را آباد و دایر نمایند مشمول مالیات املاك اربابی خواهند بود

پیشنهاد آقای معظمی و بعضی از آقایان دو تبصره ذیل را بماده ۳ پیشنهاد میکنیم
تبصره اول - خالصجات انتقالی که بواسطه سنگینی مالیات بحال خرابی باقی و بایر مانده مشمول ماده ۶ قانون مالیات املاك اربابان و دواب خواهند بود

تبصره دوم - خالصجات انتقالی که در تصرف زارعین و دهاقین (خورده مالک) است از این قانون مستثنی و مطابق املاك اربابان ممیزی خواهد شد. معظمی - محمد علی ثابت - ضیاء - حسن آیه الله زاده خراسانی.

پیشنهاد آقای ثابت - ماده ۳ - مالیات و منال دیوانی املاك خالصه انتقالی اگر از صدی پنجاه متجاوز

است باید پس از تاریخ تصویب این قانون صدی هفتاد و پنج بدولت بدهند از سهم اربابان و اگر مالیات و منال دیوانی از صدی پنجاه متجاوز نیست باید صدی پنجاه از سهم اربابان را بدولت بدهند

پیشنهاد آقای مدرس - پیشنهاد میکنم که ماده ۳ بطریق ذیل نوشته شود فروش کلیه املاك خالصه انتقالی اختیاری است هر متصرفی طالب خرید شد با او تنصیف میشود نصف اختصاص بمتصرف داده خواهد شد که بر طبق مالیات اربابان مالیات آنرا بپردازد و عایدات متوسط سه سال اخیر نصف دیگر بر آورد تقویم شده پنج برابر در مدت پنجسال و نقداً هشت برابر باو واگذار خواهد شد

تبصره - بعد از انتقال بلافاصله تمام ملك اربابان و مالیات اربابان را خواهد پرداخت پیشنهاد آقای افسر

تبصره ذیل را بماده ۳ پیشنهاد میکنم
تبصره - مقصود از مالیات جزو جمعی آنستکه اخیراً وزارت عماله با آنها معامله مینموده است پیشنهاد آقای امامی

بنده پیشنهاد میکنم که قسمت اول ماده سوم بترتیب ذیل اصلاح شود

ماده سوم - میزان مالیات املاك خالصه انتقالی که مالیات آنها بموجب قانون املاك و دواب از صدی پنجاه عایدات خالص مالکانه بیشتر است الی آخر

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب ماده - سوم این نوع پیشنهاد میکنم

مالیات املاك خالصه انتقالی همان مالیات املاك اربابی است. دولت مکلف است نصف حاصل سه سال خالصه انتقالی را تقویم نموده در ظرف ده سال از مالک متصرف دریافت کند

پیشنهاد آقای یاسائی بنده پیشنهاد می کنم ماده سوم به نحو ذیل اصلاح شود

میزان مالیات املاک خالصه انتقالی (باستثنای املاکی که در تصرف خورده مالکین است الی آخر) پیشنهاد آقای دهستان

بنده پیشنهاد می کنم تبصره ذیل به ماده سوم اضافه شود

تبصره - عایدات خالص مالکانه عوایدی است که بعد از وضع مخارج قناتی و بنائی و بندرو خرج ضابط و عوارض مالیات عاید مالک خواهد شد.

ایضاً پیشنهاد آقای دهستان - بنده پیشنهاد می کنم ماده ۳ بترتیب ذیل اصلاح شود

ماده ۳ - میزان مالیات املاک خالصجات انتقالی که مالیات جزو جمعی آنها از صدی سی عایدی سهم مالکانه بیشتر است در آئیه صدی سی عایدات متوسط مالکانه خواهد بود مالیات خالصجات انتقالی که مثال دیوانی آنها کمتر از صدی سی عایدات سهم مالکانه است همان مالیات جزء جمعی خواهد بود مگر آنکه مالیات جزو جمعی کمتر از مالیات معمولی املاک اربابی باشد در اینصورت وزارت نمایه مکلف است مالیات آن ملک را تا حد مالیات اربابی ترقی دهد.

پیشنهاد آقای مسعود

بنده پیشنهاد میکنم که تبصره ذیل بماده سوم اضافه شود خالصجاتی که تاریخ انتقال آن قبل از سنه ۱۲۹۰ هجری است مطابق قانون ممیزی املاک اربابی با آنها معامله خواهد شد و از این قانون مستثنی است

رئیس - ماده چهارم

(بشرح آتی قرائت شد)

ماده ۴ - مالکین خالصجات انتقالی میتوانند پس از وضع يك عشر عایدات خالص مالکانه که میزان مالیات املاک اربابی است مازاد مالیات ملک خود را تا حد مثال خالصگی که در ماده فوق تصریح شده خریداری نمایند. نرخ خریداری اضافه مثال خالصگی تومانی پنج تومان و مدت پرداخت آن از يك سال تا سه سال است

رئیس - آقای کازرون

کازرون - عرضی ندارم

رئیس - آقای دهستان

دهستانی - متأسفانه در ماده سوم به بنده نوبت رسید که عرضی بکنم ولی در ماده چهارم هم که مخالفی دارم از این قرار است. در اینجا مدت و پرداخت قیمت را از يك الی سه سال قرار داده اند آقایان باید تصدیق فرمایند که قانون را باید طوری وضع کنیم که رعایت اشخاص ضعیف هم شده باشد. اغلب از خورده مالکین هستند که اگر بخواهیم مدت يك تا سه سال قیمت این عواید را از آنها بگیریم قطعاً ناچار خواهند شد که املاک خود را بفروشند. این است که بنده خواستم با آقایان عرض کنم که مدت را قدری زیادتر بکنند و از يك سال تا ده سال باشد که اقلاً رعایتی در اینجا نسبت بخورده مالکین شده باشد.

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - بطوری که مذاکره شد مقصود ما این نیست که این املاک را همینطور مجاناً بصاحبانش واگذار کنیم و سه سال و پنجسال بنظر بنده يك نظر عادلانه است که گرفته شده است و هر مالک ملک خالصه می تواند در این مدت قیمت را بدهد ولی نظر خود بنده این است که يك تبصره هم اضافه شود که اگر کسی حاضر شد پول نقد بدهد يك مختصر مراعاتی بشود که شاید از این راه ما بتوانیم يك پولی هم برای سرمایه بانک تهیه کرده باشیم. سه سال تومانی پنجتومان زیاد نیست نظر ما این است که مال دولت و سهم دولت را مردم داده باشیم و این يك نظر عادلانه است که خورده مالکین هم از عهده آن بر میآیند

رئیس - آقای افسر

افسر - عرضی ندارم

رئیس - آقای باسائی

باسائی - این ماده بمقیده بنده نواقصی دارد که می بایستی در شور دوم رفع شود مثلاً یکی از آن نواقص این است که در این ماده پیش بینی نشده است که اگر مالکین خالصه انتقالی نتوانند از عهده خرید این اضافه مالیات برآیند چه باید کرد؟ باید همینطور باشد در صورتیکه مقصود این است که این اضافه مالیات را بفروشند و علاقه مخصوص دولت باین املاک بکلی قطع شود و مال مردم بشود. در اینجا هم چه چیزی پیش بینی نشده نوشته شده است که مالکین خالصه اگر خواستند بخرند تومانی پنجتومان باستثنای عشر عایدات خالص مالکانه که در حکم مالیات اربابی است در ظرف سه سال ولی اگر نتوانند آنوقت همینطور بماند؟ بالاخره دو قسم خالصجات است يك خالصجاتی که مالکین آن میتوانند و يك خالصجاتی است که مالکین نمیتوانند بخرند بعلاوه باز پیش بینی نشده که اگر خالصجات انتقالی را مالکین نتوانند خریداری کنند اشخاص دیگر میتوانند بخرند یا نمیتوانند؟ آن اضافه را همسایه ها یا اشخاص دیگر اگر پیدا شدند میتوانند بخرند یا نه! اگر نتوانند بخرند آنوقت میباید در دست آن مالکین بهمین صورت کنولی و حال آنکه مقصود این است که علاقه دولت نسبت باین املاک بکلی قطع شود یعنی اضافه مالیاتش را بفروشند دیگر اینکه این املاک خالصه با تمام فرمایشاتی که بعضی آقایان می کنند که يك قسمت آزا بخت مردم داده اند و بالاخره در دست ملاکین مهم است و آنها استفاده میبرند از این قانون با تمام این قضایا تصدیق بکنید که يك قسمت از این املاک در دست خورده مالکین است یعنی خرید و فروش شده و در دست اشخاص کم بضاعت آمده است بنده عقیده ام این است که اینها را هم باید منها کرد پیشنهاد هم کرده ام آن اشخاصی که این املاک بارت بانها رسیده است یا خریداری اند یا نقل و انتقال شده است باید منها شوند. بالاخره نمیشود اینها را هم مشمول آن قانون کرد و

دیگر آن تذکری بود که آقای دهستان هم دادند که مدت سه سال خیلی کم است برای اینکه ممکن است مالکین خالصه انتقالی بتوانند مالیات ملک خودشان را در مدت پنج سال ده سال بخرند ولی در مدت سه سال نمیتوانند شما که منحصر کردید خریداری را بخود مالکین خالصه و با اینکه ممکن است برای آنها مقدور نباشد که در ظرف سه سال بخرند پس مدتش را زیاد کنید که اقلاً خودشان بخرند این است عقیده بنده

مخبر - در قسمت اول فرمایش آقای باسائی عرض میکنم که در ماده قبل مابک میزانی برای مالیات املاک خالصه انتقالی در آئیه معین کردیم که حد اعلائی او نصف است صدی پنجاه از عایدات و کمتر از او آنچه را که سابق میدادند بدهند و در این ماده قید شده است که میتوانند خودشان را از آن مالیات خالصگی خلاص کنند و باین شکل خریداری کنند. مقصود این است که اگر نخواستند این معامله را بکنند همان مالیاتی که بموجب ماده قبل برای آنها تشخیص داده میشود از آنها بگیرند. نظرم هست که بعضی آقایان نظر داشتند که این معامله را اصلاً اجباری کنیم که بعد که دولت تشخیص داد میزان مالیات را مالکین ملزم باشند بخریداری که همان طور که اشاره فرمودید اگر خود آنها نخواهند بخرند دیگران بتوانند بخرند در این قسمت موافقت نظر حاصل نشد و بهتر دانستند آقایان که اختیاری باشد اگر اشخاص خواستند بخرند این معامله با آنها بشود و اگر نخواستند بخرند همان مالیات خالصگی را مطابق ماده قبل بپردازند و این ملک را داشته باشند. اما راجع ب مدت پرداخت در اینجا نهایت مساعدت بنده است زیرا اولاً ملک را (آقای مدنی هم اشاره فرمودند) کمتر از ده يك معامله نمیکند شما اینجا پنج برابر کرده اید تقریباً نصف معامله معمولی در سه سال و اگر پنج سال فرض کنیم نازم هیچ نداده و بعد از پنجسال ملک را برده بجهت اینکه فرض کنید با صد تومان مالیات برای آنها قرار بگذارند و با صد تومان را

سالی صد تومان بدهند در اینصورت بدون اینکه از باب قیمت چیزی داده باشد ملک را برده و اگر ده سال قرار بگذارند مثل این است که يك پولي دسق بهش داده باشند و دولت اگر این ملک را ببخشد بهتر است و اگر از این مدت زیادتر کنید عدم مساعدت است با دولت سه سال که در نظر گرفته شد برای این است که يك مساعدت مختصری بادولت و يك مساعدت کافی هم با اشخاص شده باشد چون منتهای مدتی که آنها بدون هیچ نحی می میتوانند قیمت ملک را پردازند پنجسال است و فقط دو سال از این مدت تخفیف داده شده و هیچ نحی بر آنها نیست. يك نکته را هم که آقای مدنی توجه کردند که اگر يك کسی حاضر شد در دفعه اول و خواست خودش را خلاص کند باید يك مساعدت مختصری با او بشود صحیح است و باید در اینخصوص قرار داد.

رئیس -- آقای بدر

بدر -- اگر چه مطلبی را که بنده میخواستم عرض کنم راجع بماده ۳ بود و موقعش گذشت اما در اینجا هم یادآوری می کنم. عرض کنم این خالصجات بيك نسق نیستند و صورتهای مختلفه داشته اند بعضیها مالیاتشان خیلی کمتر و بعضیها زیاد تر است و بعضی تخفیف گرفته اند و بعضی نگرفته اند اینها بيك صورت و يك نسق نیستند حالا ما آنها را بيك صورت و نسق در بیاوریم و برای آنها يك مالیاتی وضع کنیم ممکن است بعضیها تعدی شود و برای بعضیها ممکن است نافع و خوب باشد. این را تصور میکنم اگر خود وزارت مالیه با کمیسیون مالیه بيك ترتیبی برای این قسم خالصجات بدهند بهتر است یعنی صورتی نوشته شود که معلوم شود اساساً کدام يك از اینها مالیات گزافی برایشان باقی مانده است و کدام يك تخفیفات گرفته اند بعضیها فروخته اند و رفته اند بی کارشان بيك جمع اربابی ده خروار پنج خروار برایش معین کرده اند حالا آنها شامل همین میشود یعنی صد

پنجاه را ازین خواهند گرفت یا يك تفکیکی خواهند کرد ؟ اگر يك تفکیکی باشد بیایند خالصجات را از روی فروشی که شده و از روی عملی که در اراضی شده است دسته دسته بکنند و برای هر یکیش بيك نحو قرار بگذارند البته این عادلانه است اما اگر این خالصجات را بيك صورت فرض کنند و بگویند خالصه است که دولت فروخته است و آزا که از اول خود دولت کسر کرده است خودش و آزا هم که کسر نکرده است هم را بيك نسق پردازند تصور میکنم عادلانه نخواهد بود یکی دیگر اینکه اینجا نوشته است بيك عشر عایدات در صورتيکه اگر اینها را بخواهیم بصورت مالیات عادی در آوریم باید صد سه و نیم برای آنها قائل شویم نه بيك عشر این بيك عشر بجه مناسب است ؟ مالیاتی را که مجلس وضع کرده است و مالیات عمومی است صد سه و نیم است اما در اینجا نوشته شده است که بيك عشر معلوم میشود که مالیات خالصه بامالیات عمومی تفاوت دارد و بنده نفهمیدم بيك عشر برای چه نوشته شده است. در ماده چهار مینویسد بيك عشر که میزان مالیات املاک اربابی است چطور شده است که این بيك عشر در اینجا نوشته شده در صورتيکه قانون کلی صد سه و نیم است. در این دو مسئله خواستم تذکر بدم که آقایان ملاحظه بفرمایند.

بعضی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است

رئیس -- پیشنهادها قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای دکتر طاهری -- پیشنهاد میکنم ماده چهارم بطور ذیل اصلاح شود
در سطر اول نوشته شود مالکین خالصجات انتقالی مکلف هستند و در سطر آخر نوشته شود مدت پرداخت آن از بيك تا پنجسال است

پیشنهاد آقای دهستانی -- بنده پیشنهاد میکنم قسمت آخر ماده ۴ راجع مدت پرداخت حذف شود

پیشنهاد آقای مدرس -- پیشنهاد میکنم ماده چهارم بطریق ذیل اصلاح شود

مشتری میتواند در مقابل پولی که باید بدهد فرمان حقوق خود و دیگران را که خریداری نموده (مستمری وظایف شهریه) برطبق همان مبلغ فرمان بدولت پردازد
پیشنهاد آقای عباس میرزا -- ماده چهارم پیشنهاد مینماید که ترتیب ذیل نوشته شود مالکین خالصجات انتقالی میتوانند پس از مالیاتی که مطابق قانون میزی باملاک اربابی تعلق میگیرد مازاد مالیات خود را الی آخر پیشنهاد آقای دهستانی -- بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۴ مدت پرداخت از سه سال الی ده سال نوشته شود
پیشنهاد آقای فیروز آبادی -- بنده پیشنهاد میکنم که در ماده ۴ نوشته شود که در مدت پنجسال پرداخت نمایند هر سالی بيك خمس از قیمت

پیشنهاد آقای آقايان -- بنده پیشنهاد میکنم که در ماده ۴ بان قسم اصلاح شود بعد از کلمه انتقالی اضافه شود صوای املاکی که بقصر رعیث و زارع خورده مالک است که باید مطابق املاک اربابی میزی بشود.

وزیر داخله -- آقای میرزا محمد خان منتظمی را بجا وزارت داخله به مجلس شورای ملی پیشنهاد میکنم دو فقره لایحه هم هست یکی راجع بسجل احوال و یکی راجع بکنترل دکترا کراندل تقدیم میکنم

عمادی -- تنفس

رئیس -- مخالفی ندارد ؟

(گفته شد خیر)

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیمساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس -- ماده پنج قرائت میشود

(بشرح آتی خوانده شد)

ماده ۵ -- هر بيك از خریداران اضافه مالیات مثال خالصگی که بيك ثلث یا دو ثلث از قیمت مثال خریداری بخورد را بوزارت مالیه پرداخت بهمان نسبت بيك ثلث یا

دو ثلث از مثال خالصگی باو تخفیف داده میشود و پس از تأدیه ثلث آخر قیمت بکلی از تأدیه مثال خالصگی معاف و ملک خریدار مزبور در ردیف املاک اربابی و از حیث مالیات تابع مقررات قانونی کلیه املاک اربابی خواهد بود

رئیس -- آقای دهستانی

دهستان -- بنده در ماده ۵ چندان مخالفی ندارم ولی برای اینکه عرضی را که سابق کردم با این ماده پنج هم مربوط میشود لازم میدانم عرایض خودم را به عرض آقایان برسانم. اعتراضی که در ماده ۴ کردم این بود که اشخاصی که خورده مالک هستند شاید نتوانند به مدت سه سال این مالیات را بدهند در ماده ۵ مطلب بطوری نوشته شده است که در ماده ۴ ابدأ مدت پرداخت ضروری نیست. مینویسد: هر بيك از خریداران اضافه مالیات املاک خالصه که بيك ثلث یا دو ثلث از قیمت مثال مالیاتی خود را بوزارت مالیه پرداخت بهمان نسبت بيك ثلث یا دو ثلث از مثال باو تخفیف داده میشود و پس از تأدیه ثلث آخر قیمت بکلی از تأدیه مثال خالصگی معاف و ملک خریدار مزبور در ردیف املاک اربابی و از حیث مالیات تابع مقررات قانونی کلیه املاک اربابی خواهد بود. عرض میکنم اینجا مطلب خیلی واضح است ما عواید سهم دولت را تومانی پنج تومان می خریم در صورتی که عواید ملکی تومانی ده تومان است پس باید آقایان تصدیق کنند که اگر کسی پول داشته باشد هیچ منتظر نخواهد شد که قیمت این ملک را به اقساط پردازد برای اینکه بيك ملکی که سه هزار تومان قیمت او باشد (الان جمع و خرج میکنیم) این سه هزار تومان میشود پانزده هزار تومان از پانزده هزار تومان سال اول پنج هزار تومان خواهد داد. پس بيك معامله تعلق باو خواهد گرفت ولی دو ثلث دیگر باقی است هیچوقت آن خریدار ملک حاضر نخواهد شد که ملک تومانی پنج تومانی بماند و آن مثال خالصگی را

که تومانی ده تومان قیمتش است بدولت بپردازد پس در اینصورت تقاضا دارم آن پیشنهادی که در ماده چهار کردم آقایان در کمیسیون در نظر بگیرند و آن مدت را برای مردم قائل نشوند که اسباب زحمت مالکین بی بضاعت بشود

رئیس -- آقای ملک مدنی

ملک مدنی -- اظهارات آقای دهستان مربوط باین ماده نبود و تصور میکنم اگر وقت بفرمائید این طریقی است که برای موقعی که تأدیبه آن قیمت میشود معین شده وقتی فروختند باشخاص باید ماقائل باشیم که اگر کسی يك نك از قیمت را تأدیبه کرد در حقیقت ملك بهمان نسبت صورت ملك اربابی را پیدا کند زیرا ما اگر این قید را نكنیم چون طرف دولت است و خریدار مردم هستند ممكن است تولید اشكال کند و بگویند تا شما تمام قیمت ملك را ندهید این ملك صورت اربابی ندارد و کمیسیون نظرش این بوده است كه يك تخفیفی به مالیات آههاده شود و اظهارات حضرتعالی در اینجا مورد ندارد (بعضی گفتند مذاکرات کافی است)

رئیس -- پیشنهادها قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای مدرس -- پیشنهاد میکنم ماده ۵ بطریق

ذیل نوشته شود

بعد از خریداری خالصه انتقالی مشتری مالیات اربابی را خواهد پرداخت ولی تا اقساط را نداده آنچه خریداری نموده هیچ عنوانی نمیتواند انتقال بغير دهند و هر قسطی را پرداخت نمودند بهمان نسبت عین آنچه خریداری نموده میتواند نقل و انتقال دهد

پیشنهاد آقای طاهری

اصلاح ماده ۵ را بترتیب ذیل پیشنهاد میکنم

ماده ۵ -- هر يك از خریداران اضافه مالیات منال خالصگی كه از يك تا چهار خمس از قسمت منال خریداری خود را بوزارتعاليه پرداخت بهمان نسبت از منال خالصگی

یاو تخفیف داده میشود و پس از تأدیبه خمس آخر قیمت بکلی از تأدیبه منال خالصگی معاف و ملك مزبور در ردیف املاك اربابی و از حیث مالیات تابع مقررات قانونی کلیه املاك اربابی خواهد بود
نصره -- مالکین میتوانند اضافه قیمت دفعه واحده را با چند قسط آزا يك مرتبه خریداری نمایند.

پیشنهاد آقای فیروزآبادی:

بند پیشنهاد میکنم كه در ماده ۵ نوشته شود

ماده ۵ -- هر يك از خریداران اضافه مالیات خالصگی كه از يك خمس یا بیشتر هر قدر از قیمت منال خریداری خود را بوزارت مالیه پرداخت بهمان نسبت یاو تخفیف داده میشود

رئیس -- ماده شش قرائت میشود

(باین مضمون قرائت شد)

ماده ۶ -- در املاك خالصه انتقالی كه مالکین عوائد آزا قبل از این تاریخ برای مررضخانه یا مدرسه وقف کرده اند اضافه منال خالصگی برای توسعه همان مؤسسه تخصیص می شود كه بوسیله ادارات مربوطه مصرف شود.

جمعی از نمایندگان -- مخالفی ندارد.

كازرونی -- بنده مخالفم.

رئیس -- بفرمائید

كازرونی -- اینجا می نویسد املاك خالصه انتقالی كه عوائد آزا قبل از این فقط برای مررضخانه و مدرسه وقف کرده اند بایستی در محل خودش صرف شود نمیدانم چرا آقایان فقط بمدرسه و مررضخانه اختصاص داده اند خوب مثلاً اگر برای مشاهده مقدسه یا یکی از امور بریه و امسال این ها باشد حساب نیست ؟ و نباید در مورد خودش خرج شود ؟ اگر مقصود آقایان اختصاص بمدرسه و مررضخانه است (بطوریکه در اینجا ذکر شده خوب است بفرمائید علت چیست و چه بوده كه این نظر را داشته اند و اگر هم غیر از این است پس چرا

مرضخانه و مدرسه اختصاص داده و سایر امور خیریه را مستثنی کرده اند. مقصود چه بوده اگر ممکن است آقایان توضیح بدهند.

مدرس -- پیشنهاد بدهید قبول میکنیم

مخبر -- مقصود اختصاص به مررضخانه و مدرسه نبوده بلکه منظور کلیه امور خیریه است نهایت ما چندنارا در نظر گرفتیم از قبیل مدرسه و مررضخانه. باین طور كه اگر کسی يك ملك خالصه انتقالی داشته و برای مررضخانه یا مدرسه یا سایر امور خیریه وقف کرده اضافه منال خالصگی برای توسعه همان مؤسسه تخصیص میشود كه بوسیله ادارات مربوطه مصرف شود. و این البته بسیار كار خوب و مفیدی است و منظور کلیه امور خیریه بوده مثلاً ملكی وقف فلان مدرسه یا مررضخانه یا برای تهیه آب و سایر امور خیریه و عام المنفعه بوده برای همان مصرف تخصیص داده میشود و تفاوت مالیاتش را صرف همان امر خیریه کنند. مقصود همین بوده و این هم يك كار مفیدی است.

بعضی از نمایندگان -- صحیح است مذاکرات کافی است

رئیس -- پیشنهادها قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای افسر.

پیشنهاد میکنم بر ماده شش قبل از كله مررضخانه اضافه شود برای مشاهده مشرفه و مساجد و دارالایتم و سایر مؤسسات خیریه.

پیشنهاد آقای دهستانی:

در ماده شش در سطر دوم بعد از كله مدرسه نوشته شود و سایر امور عام المنفعه و مصارف اماكن متبركه وقف کرده اند الخ.

پیشنهاد آقای كازرونی:

ماده ۶ را بقرار ذیل پیشنهاد میکنم

ماده ۶ -- در املاك خالصه انتقالی كه مالکین عوائد آزا قبل از این تاریخ برای مصرف امور بریه و خیریه

و فوائد عمومی وقف کرده اند الخ.

پیشنهاد آقای باسائی:

بند پیشنهاد میکنم ماده ششم اینطور اصلاح شود ماده ششم -- در املاك خالصه انتقالی كه مالکین عوائد آزا قبل از این تاریخ برای مساجد و مشاهد متبركه و مررضخانه یا مدرسه و غیرها از هر قبیل مؤسسات خیریه وقف کرده اند الی آخر

پیشنهاد آقای دكتر طاهری:

پیشنهاد میکنم كه آخر ماده شش اضافه شود:

خالصجات انتقالی كه عین آن وقف بر مصارف عام المنفعه است از مالیات آن صرف نظر شود
پیشنهاد آقای فیروزآبادی:

بند پیشنهاد میکنم كه این ماده حذف شود جهت اینکه این تغییر وقف می باشد و جائز نیست و دولت حق فروش آزا ندارد.

رئیس -- ماده هفتم قرائت میشود.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۷ -- مالکین خالصجات انتقالی میتوانند در عوض وجهی كه از بابت قیمت منال خالصگی باید بپردازند اسناد و مدارك مستمری دیوانی كه فعلاً بر قرار است واگذار نمایند و وزارت مالیه مكلف است كه آن مستمری را بمبلغ معینه در فرمان بر قراری بنرخ تومانی يك تومان در عوض قیمت قبول نموده و از دفتر وظایف محو كند. هرگاه مستمری واگذار شده مربوط باشخاص دیگری غیر از مالکین خریدار منال خالصگی باشد خریدار باید سند واگذاری و انتقال قطعی صاحب مستمری را بوزارت مالیه تسلیم نماید كه در آئیه ابراد و اعتراضی باقی نماند

رئیس -- آقای كازرونی

كازرونی -- در این جا يك حالت اشفاقی نسبت به دارندگان فرمان مستمری و شهریه منظور شده یعنی آن تومانی دو ربال معمولی را مبدل به تومانی

تومان کرده اند و اگر چنانچه مالك بك ملكى خودش مستمري نداشته باشد میتواند اين فرمان را از ديگرى بخرد يعنى از همان هاى كه حاليه بتومانى دو ريال هم راضى اند و گاهى هم همين مبلغ هم به آنها نميرسد بخرد و تومان تومان بگيرد. حالا ملاحظه بفرمائيد اين حساب سر بگذا ميزند. وقتى كه ما درست حساب كنيم ما سالى هفتصد هشتصد هزار تومان مستمري و شهریه میدهیم مستمري كتر از هفتصد هزار تومان نيست غالب اينها بطورى كه بنده اطلاع دارم وقتى كه تومانى تومان حساب كنيم بر ميگردد به سه چهار ميليون. آن وقت وقتى عوايد مالكانه بك ملكى يعنى عايدات خالص را ده هزار تومان حساب كرديم و اين ده هزار تومان را هم بنام شش پنج هزار تومان بفروشيم و اين را هم مستمري تومانى دو ريال را تومانى تومان حساب كرديم ملاحظه بفرمائيد حساب چه ميشود و علاوه بر بردن ملك چه اندازه صرف و نفع ميبرد بعيده بنده در اين جا منظورى كه هست همان رقى دادن مستمريات است از تومانى دو ريال به تومانى تومان در هر صورت بنده نميدانم كه اين مسئله مستمري چه ربطى با اين لايحه و باين ماده داشت اين اشفاق علاوه بر موضوع ملك چرا بايد در مورد مستمري هم اعمال شود. آخر بايد فهميد اين ها از كى گرفته ميشود. اين مال مردم بد بخت است از مردم بد بخت بيچاره گرفته و اينطور داده مي شود اگر كسى نسبت بكسى ميخواهد اشفاق كند خوبست از كيسه قنوت خودش بدهد نه اينكه از كيسه ديگرى بدهد و مردم بد بخت ظلم كنند اين خوب طريقيه نيست. در قسمت تومانى تومانش كه يك كم همه آقاىان موافق باشند كه بايد بر داشته شود اين عرابى بود كه عرض كردم

مخبر - خوب است آقاى كازرونى درست بماده توجه بفرمائيد. اصلاً طرح و تنظيم اين لايحه از اول تا آخر ابتدا و اساسش روى اشفاق و مساعدت است.

اما مطلب اينجا است كه آقاى كازرونى هر كس را كه ملاحظه مى كنند نسبت باو ارفاق و اشفاق ميشود او را غير مستحق ميدانند و يك شخص متمول و با بضاعتى ميدانند در صورتيكه اين طور نيست و صاحبان مستمري اصلاً مردمان با بضاعت هستند اصل علك اين ماده را خوبست توجه بفرمائيد وقتى كه ما تقريباً سيصد چهار صد هزار تومان بعنوان ماليات خالصه انتقالى از جمع عايدات دولت كسر كرديم بايد از آن طرف هم سعى كنيم كه در مقابل از مخارج دولتي هم مقدارى كسر كنيم با اينكه آن عوايد را بمصرف خودش برسانيم تا جاي اين كسر محل را پر و جبران كند بنظر اينطور رسيد كه اگر ما از اين راه بتوانيم همينطورى كه از عايدات كسر مى كنيم در مقابل هم مبلغى از مستمريات و وظائف كسر كنيم يك قدم اساسى براى مملكت برداشته ايم و اصلاً اگر چيز را ما بتوانيم مستمريات و وظائف را از دفاتر دولتي كسر كنيم اين خيلى خوب است و آن مقصود ما بعمل آمده است آقاى كازرونى همچون تصور كردند كه اگر ما اينجا قائل شويم و مستمري را تومانى تومان از آنها قبول كنيم آنوقت همه ساله آنها اين حق را خواهند داشت و مطالبه ميكنند در صورتي كه اگر درست ملاحظه بفرمائيد ميبينيد كه در اين جا قيد شده كه دولت اين مستمري را از صاحب مستمري بطور قطع مى خرد و بجاي اينكه در يك سال تومانى دو ريال بدهد مال چهار ساله را باو ميدهد و در مقابل قيمت ملك كه او بايد بدولت واگذار كند يعنى در مقابل پولى كه بابت قيمت بايد بدهد مستمري خودش را محاسبه ميكنند و آن هزار تومان مستمري و وظائفى كه از برقرارى هاى سابق است و همه ساله ميگيرد آن را بطور قطع بدولت واگذار مى كند و اين از يك طرف براى دولت هم خوب است زيرا از دست مستمري و صاحبان وظائف آسوده ميشود و از طرف ديگر بك تسهيل است براى صاحبان املاك و بك مساعدت است با اشخاصى كه مستمري و وظيفه دارند. غالب اشخاصى

الآن صاحب مستمري هستند شايد راضى باشند كه حقوق چهار ساله شان را به آنها بك مرتبه بدهند و بعد قطع كنند و آنها هم بروند اين مبلغ را بيك مصرف صحيحى رسانند با اين ترتيب هم دولت راحت ميشود كه ديگر اين اشخاص مزاحمتى نخواهند داشت و هم خود آنها پى كار خودشان ميروند و با اين پول يك فكري براى خودشان مى كنند تصديق مي فرمائيد كه اگر ما يك روزى از شر اين دفتر وظائف و مستمريات خلاص شويم يك قدم بزرگى بطرف اصلاح ماليه برداشته ايم زيرا نگاهداشتن اين دفاتر كه شايد متجاوز از بيست و هفت هشت هزار قلم مستمري است خودش يك اداره خيلى مفصلى لازم دارد. كلييه مستمريات و وظائف و شهریه ها تا پنج شش سال قبل به طورى كه بنده اطلاع دارم چهل و هفت هشت هزار قلم بود كه قريب بيست و نه هزار قلم آن مستمري از يك تومان تا بيست و پنج تومانى است كه بايد براى هر کدام از آنها قبض عليه صادر شود. حواله صادر شود، و اين خودش يك زحمت فوق العاده دارد پس اگر فرضاً دولك از اين راه مقدارى از خالصجات خودش صرف نظر ميكنند ولى از طرف ديگر مبلغى از خرجش كسر ميشود و بعلاوه اينكه راحت هم ميشود. و براى صاحبان مستمري هم خوب است كه يك پولى ميگيرند و خود شان را خلاص ميكنند. البته تمام صاحبان خالصجات انتقالى باندازه كافي مستمري ندارند كه كفاف خريدارى تفاوت منال را بكنند از اين جهت ما قائل شديم كه حق داشته باشد با ساير صاحبان مستمري اين معامله را بكنند و اين البته يك تسهيل خوبى است هم براى خريداران و هم براى صاحبان مستمري و روى هم رفته يك كار خوبى است.

رئيس - آقاى حقنويس

حق نويس - اينكه آقاى مخبر فرمودند اين لايحه از روى ارفاق نهيه شده است بنده هم تصديق مى كنم كه

از روى ارفاق تنظيم شده ولى ارفاق بكي ؟ بهمان صاحبان املاك و مستمري اين واضح است كه دولت يك چيزى را با تصويب مجلس بيك اشخاصى ميدهد هر وقت مجلس تصويب نكرد البته دولت نميدهد موضوع ملك و مالياتي راجع بمستمريها در بين نيست كه مجلس بخواهد در تحت تأثير آن اين كار را بكنند. تصديق بفرمائيد كه اين يك حقي است كه از اكثر املاك خالص تر است يعنى بي خرج زوئى زحمت راست زيرا هر ملكى براى صاحبش يك مخارج و مصارفى دارد ولى حقوق و مستمري را صاحبان حقوق بدون درد سر از دولت ميگيرند و هيچ خرجى هم براى آنها ندارد و اگر بنساي ارفاق است و اين ارفاق را بخواهيم قدرى از مالكين بجاور بدهيم خوب است افلا آن اشخاص بي بضاعت را كه مبلغ حقوقشان هم خيلى كم است آنها را رعایت كنيم و اگر نميخواهيم اين فائده را رعایت كنيم و براى مالكين اينطور تسهيلات قائل شويم حالا كه دولت ميخواهد اين مستمري ها را بخرد چه ضرر دارد كه خودش بخرد و اين فائده يعنى تفاوت بين توماني دو ريال و توماني تومان را خودش ببرد و اين استفاده نصيب خود دولت شود. در اين صورت اگر براى صاحبان حقوق يك كسى است از طرف ديگر براى خود دولت هم افلايك فائده منظور و متصور است كه اين استفاده باز خريد را خودش ميبرد. بنا بر اين قيمت منال ديوانى را مستمريات اشخاص قرار دادن كه صاحبان ملك مستمريات را تومانى تومان بخرند و دولت اين اختيار را مالكين بدهد و مستمريات تومانى يك تومان از آنها قبول كند اين خوب نيست زيرا اين نفع بچيب اشخاص ميروند كه مستمريات را از صاحبان مستمري ميخرند و بخزانة دولت چيزى عايد نميشود در صورتيكه اگر خود دولت اين كار را بكنند و بخرد نممكن است اين نفع عايد او شود. زيرا مجلس در اين موضوع مخبر است اگر مى خواهد مستمريات را ميدهد و اگر نميخواهد نميدهد و اگر

دلش نخواست بدهد نباید این را يك طوری قرار داد که اسباب ضرر دولت بشود و مستمری را نباید بمن مثال قرار داد با اقلای صوری کنند که اگر نفعی هست صاحبان حقوق ببرند و بلکه باید بعقیده بنده يك کاری کرده این نفع تومانی چهار تومانی خود دولت ببرد. این نظریات بنده است
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
بسامی - بنده مخالفم با کفایت مذاکرات
رئیس - بفرمائید

بسامی - در نتیجه مذاکرات و فرمایشات آقایان بالاخره بنده يك چیزی را نشنیدم و آن این است که هر چه از مستمریات که تومانی دو ریال است تومانی تومان خریداری کنند و در ازاء قیمت خالصه بدهند امامستمریات تومانی هفت هزار و دهشاهی امامستمریات تومانی يك تومان چطور؟ آیا کسی فرضاً صد تومان مستمری دارد و تومانی بکتومان میگیرد و عایداتش در سال صد تومان میشود حاضر میشود ملك بخرد که صد تومان در مدت پنج سال عایدش شود؟ این حقیقتاً چیز غریبی است زیرا بدیهی است کسی که مستمری تومانی تومان دارد با تومانی هفت قران و دهشاهی دارد هرگز نباید باین شکل بدولت واگذار کند و در عوض این املاک را بخرد زیرا هیچکس حاضر نمیشود يك مستمری بی دردسر و راحت و بی خرجش را صرف نظر کنند و در عوض يك ملكی را که معلوم نیست عایدش چه خواهد بود و عاقبتش چه میشود بگیرد.

رئیس - آقای حاج آقا رضا

حاج آقا رضا رفیع - بنده که عرض کردم مذاکرات کافی است برای این است که این لایحه دوشوری است. در شور اول وقتی که لایحه بمجلس میاید آقایان هر کدام يك نظری دارند اظهار می کنند. پیشنهاد می کنند تذکر میدهند پیشنهادات به کمیسیون میرود کمیسیون هم نظر مجلس را می فهمد و میداند چه بکند و در شور ثانی دو باره به مجلس میاید و البته آنوقت قاطع است. این يك فورمول و ترتیبی است که معمول

است. و عمل میشود. اگر بخواهیم فرد نظر بانمان را اظهار بکنیم و متصل توضیح بدیم در پنج جلسه دیگر هم این لایحه تمام نخواهد شد. پس حالا خوب است مذاکرات کافی باشد. اگر آقای بسامی نظری دارند ممکن است پیشنهاد بفرمایند به کمیسیون می رود و در آنجا قطع و حل میشود و البته نظر آقا اگر اساسی باشد قبول و تأمین خواهد شد

رئیس - رأی می گیریم. آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند
(عده زیادی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. پیشنهادها قرائت میشود
(بترتیب ذیل خوانده شد)
پیشنهاد آقای نابت

این جانب پیشنهاد مینمایم ماده هفت حذف شود
پیشنهاد آقای دهستانی
پیشنهاد میکنم ماده هفت حذف شود
پیشنهاد آقای استرابادی
بنده پیشنهاد می کنم در ماده هفت کلمه (فرمان) حذف شود.

رئیس - ماده هشتم قرائت میشود.

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۸ - مقررات فوق شامل خالصجات تیولی که تا این تاریخ مورد دعوی تیولی بوده اند نمیشود و اشخاصی که خالصجات متصرفی آنها را وزارت مالیه بموجب اسناد تیولی تشخیص داده است و باین تشخیص اعتراض دارند باید رفع اختلاف خود را با وزارت مالیه بترتیبی که در ماده ۲ مذکور است قطع و فصل نمایند

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - عرضی ندارم

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - عرضی ندارم

تیول را در این لایحه چیز مشکلی است. زیرا تیولی وجود ندارد سابقاً يك املاک اربابی بود و يك کسی که مالیاتی بده کار بود آن مالیات را میامد تیول خودش میکرد. مجلس دوره اول بموجب قانونی این تیول را بکلی لغو کرد از آن تاریخ بعد هر چه تیول درکار بود از بین رفت و دیگر وجود ندارد. و هر چه بعد ملك در دست مردم ماند اگر واقعاً دولت مدعی بوده و حق داشته که گرفته و استرداد کرده و اگر در دست مردم باقی مانده که معلوم می شود مال خود مردم است و دولت حقی بر آن ها ندارد و اگر بخواهید این مسئله را در این جا عنوان کنید گمان می کنم وضعیت مردم بمراتب از روز اول بدتر خواهد شد. و اصلاً کلمه تیول را از دفتر خالصجات باید برداشت زیرا اسباب زحمت مردم خواهد شد و این ماده اصلاً موضوع ندارد و باید حذف شود

بعضی از نمایندگان - صحیح است

مخبر - در مورد تیول باید يك توضیحی عرض کنم املاک خالصه که به تیول واگذار شده دو قسم است یکی املاکی است که برای سرباز و سوار و امثال اینها به تیول داده شده و امروزه مثل سایر خالصجات انتقالی در دست اشخاص مانده و در تصرف مردم است. يك قسم خالصجات دیگری هم هست یعنی يك قسم املاک دیگری هست که اینها تیول شخصی هستند. يك شخصی صاحب مستمری بوده است و يك ملكی را باو داده اند و گفته اند که شما مالیات آنها را از بابت مواجب و حقوق خودتان بر دارید و این ملك را هم نگاهدارید و در دست شما باشد این دو قسم تیول با هم تفاوت دارد. در قسم اول همان طور که مذاکره شد بنده هم عقیده دارم مثل سایر املاک خالصه انتقالی با آنها باید معامله شود

رئیس - آقای افسر

یکی از نمایندگان - تشریف ندارند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - بنده این عنوان را که عنوان تیول باشد از بین رفته میدانم زیرا در دوره اول اصلاً عنوان تیول بکلی از بین رفت و این املاک با خالصه انتقالی هستند و مطابق فرمان انتقالی فروخته شده است یا طور دیگر است. بهر حال بنده نمیدانم این عنوان را چرا در اینجا داخل کرده اند از این جهت بنده باین ماده بکلی مخالفم. زیرا موضوع ندارد

رئیس - آقای ملك مدنی

ملك مدنی - عرض میکنم این ماده را برای خاطر اظهارات آقای کازرونی ما تهیه کردیم و دولت هم موافقت داشت برای اینکه يك املاکی هست که اصلاً خالصه انتقالی بودنش مشکوک است. و دولت مدعی است که این ها ملكی دولت است و بدون مجوز باشخاص انتقال پیدا کرده است اشخاص هم از طرف دیگر ادعا دارند که بر طبق مجوز انتقال پیدا کرده بهر حال محل نظر است. پس از آن که آقای کازرونی آن اظهارات را کردند و ما دیدیم که در املاک تیول بعضی قسمت ها است که مورد دعوی دولت و اشخاص است این بود که این ماده را با نظر وزیر مالیه تهیه کردیم. حالا اگر مجلس صلاح میداند حذف شود خوب است آقایان پیشنهاد حذف کنند و ما هم در کمیسیون حذف نخواهیم کرد

عراقی - بنده پیشنهاد حذف میکنم

رئیس - آقای بیات

بیات - همان طوری که آقای آقا سید یعقوب اظهارات کردند بعقیده بنده وارد کردن عنوان

یعنی هر طور که با خالصه انتقالی معامله میکنیم باید با این قسم املاک تیول هم معامله و رفتار کنیم

زیرا تفاوتی نمیکند چه يك نفری بمنوان نیول بك ملكی را بخرد و در عوض و مقابل حقوق خودش محسوب کند یا این که بمنوان انتقال همان را خریده باشد. هیچ تفاوتی با هم ندارد و یکی است اما راجع بان قسمت دوم که نیول شخصی اشخاص قرار داده اند مجلس اول گرچه این قسم نیول را از بین برد و موجب ها را کسر کرد و نیول را برگرداند ولی باید دانست که باین قسم املاک نمیشود صورت خالصه انتقالی داد. زیرا از اول هم دولت بمنوان انتقال ملكی و مجوز قانونی و شرعی باشخاص واگذار نکرده فقط در تحت این عنوان بوده است که شما که فلان قدر موجب و حقه-وق دارید این حقوق خودتان را از عایدات این ملك بردارید و در تحت این عنوان املاک در يد اشخاص باقی مانده ولی اساساً و معنأ این املاک مال دولت است از آن طرف هم چون متصرف ملك در ملك مخارج کرده آبادی نموده زحمت کشیده قلعه ساخته و دولت چیزی برای او منظور نکرده والبته زحمت اشخاص هم نباید از بین برود این است که اگر نخواهیم يك تصمیمی بگیریم اسباب زحمت خواهد شد در هر صورت با نیولات قسم اول بطور کلی معامله املاک خالصه میشود و با قسم دوم هم بهر قسم مجلس صلاح بداند عمل خواهد شد

باسائی - بنده مخالفم
رئیس - بفرمائید

باسائی - بطوریکه در مجلس مذاکره شد بالاخره همچو معلوم شد که نظر مجلس بر حذف این ماده است. بنده پیشنهادم کرده ام ولی بنده محدود میکنم. و به علاوه تذکره می دهم بکمیسسیون که دو ماده متناقضی نباید بهلوی هم نوشته شود در ماده هفت نوشته دولت حق دارد خالصجات انتقالی را در عوض مستمریات بفروشد آنوقت خالصجات نیولی را که آقایان توضیح میدهند میفرمایند عبارت است از همان چیزی که سابقین در مقابل حقوق خریده اند يك وقتی این کار را

کرده اند اگر سابقین این کار را کرده اند ما حالا این نظر را نداریم که در آینده این کار را بکنیم باین ترتیب دولت دو مرتبه حق پیدا خواهد کرد که بعد از چند سال این املاک را بفروشد همینطوری که امروز واگذار میکنند بنده عقیده ام این است که اصلاً این ماده حذف شود زیرا حقیقتاً اسباب زحمت مردم خواهد شد. هرچه در تصرف مردم است چه باسم خالصه انتقالی چه باسم نیول باحسب المقاطعه و غیره باید در تصرف مردم باشد و مالیات این املاک را هم باید از مردم گرفت این دیگر این عناوین را لازم ندارد و الا اسباب زحمت خواهد شد

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
رئیس - آقای دکتر سنك

دکتر سنك - بنده عقیده دارم کلمات مشؤمه اساساً از این مملکت برداشته شود. و با این ترتیب مملکت دارای يك امتیازات خواهد بود که هنوز نشده. از آن جمله یکی کلمه شوم خالصه است که بالاخره باید از بین برداشته شود. و همینطور کلمه نیول. بنده يك اشخاصی را سراغ دارم که از صد و پنجاه سال باین طرف يك املاکی را متصرف هستند.

رئیس - آقا راجع بکفایت مذاکرات است
دکتر سنك - بلی راجع بکفایت مذاکرات میخواهم عرض کنم که باید این مطالب در اینجا اظهار شود
رئیس - آقای دادگر
دادگر - موافقم.
رئیس - آقای احتشامزاده

احتشامزاده - نظربه آقای دکتر سنك را سایر آقایان هم اظهار داشتند و بالاخره معلوم شد که مجلس با این ماده مخالف است و مایل است حذف شود و اگر این نظر را دارد ممکن است پیشنهاد حذف بدهند و گمان میکنم سایرین هم همین پیشنهاد را داده اند و به عقیده

بنده مذاکرات هم کافی است
رئیس - رأی میکنیم به کفایت مذاکرات. آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.
(عده زیادی قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است. پیشنهاد آقای احتشامزاده پیشنهاد میکنم ماده هشت حذف شود
رئیس - ماده الحاقیه پیشنهاد آقای کازرونی (بشرح ذیل قرائت شد)
بنده ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنم خالصجاتی که برطبق فرمان رسمی دفتري شده در تصرف اشخاصی بوده و پس از چندی دولت بدون دلیل و برهان جبراً از تصرف آنها خارج کرده مشمول خالصه انتقالی خواهد بود

رئیس - ماده نهم قرائت میشود
(بمضمون آتی خوانده شد)
ماده ۹ - وزارت مالیه مأمور اجرای این قانون است.

رئیس - مخالفی ندارد (گفته شد خیر) رأی گرفته میشود بشور دوم آقایانیکه شور دوم را تصویب میکنند قیام فرمایند
(عده زیادی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد آقای وزیر مالیه
وزیر مالیه - بنده راجع بدستور عرض دارم اگر اجازه میفرمائید میخواهم از آقایان نمنا کنم که موافقت

بفرمایند در اولین مرحله دستور جلسه آنیه خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع بعوارض بندری جزو دستور مطرح شود. يك خبری هم از کمیسیون عدلیه تهیه شده راجع بقاچاق اینهم خیلی مهم است لذا نمنا میکنم در درجه دوم این خبر مطرح شود

بعضی از نمایندگان - صحیح است
رئیس - پیشنهاد آقای دکتر طاهری (بشرح آتی خوانده شد)
پیشنهاد میکنم خبر کمیسیون فواید عامه راجع بجاهای آرتیزین بزد در اول دستور جلسه آئیه قرار داده شود

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب (باین عنوان قرائت شد)
پیشنهاد میکنم خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع بعوارض بندری در درجه اول و خبر کمیسیون عدلیه راجع به قاچاق در درجه دوم جزو دستور باشد

رئیس - قسمت دوم مخالفی ندارد. (گفته شد خیر)
آقای طاهری
دکتر طاهری - بنده که این پیشنهاد را تقدیم کرده بودم از لحاظ احتیاج اهالی بزد بود ولی حالا که آقای وزیر تقاضا فرمودند بنده هم با نظر ایشان موافقت میکنم که خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع باخذ عوارض بندری مقدم و در درجه اول باشد بعد چاه آرتیزین باشد

رئیس - پیشنهاد ختم جلسه جمعی از نمایندگان صحیح است
(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)